



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
معاونت پژوهشی و آموزشی
مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی

تأثیرات زبان شناختی فارسی بر زبان و

فرهنگ سواحیلی

دکتر الیناز فرمیهنی فراهانی - دکتریدا پرمون

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

نمونه افزوده

ده بند، جگره

رده ی ده

شماره کتابشناسی ملی

قلمهیتی قراهانی، الیناز، ۱۳۶۱ -

تائیرات زبان شناختی فارسی بر زبان و فرهنگ سواحیلی / الیناز
قلمهیتی قراهانی، یداله پرمون.

تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۹۶.

۲۵۲ص: مصور، جدول ۱۴/۵×۲۱/۵س.م.

۷۳۳-۷۳۳-۴۳۹-۹۶۴-۹۷۸

فیبا

زبان سواحیلی

Swahili language

تائیرات زبان شناختی فارسی بر زبان و فرهنگ سواحیلی

Linguistic Effects of Persian on Swahili
Language and Culture

مطالعات میان فرهنگی

Cross-cultural studies

پرمون، یدالله، ۱۳۴۰ -

PLA۷۰۱/ف۴ت۲ ۱۳۹۶

۳۹۶/۳۹۲۰۷

۴۶۸۰۸۸۹

تائیرات زبان شناختی فارسی بر زبان و فرهنگ سواحیلی



مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

Center for International Cultural Studies

Islamic Culture & Relations Organization

Tel: +98 21 88153338

www.motaleaat.ir

مؤلفان: الیناز قراهانی، یداله پرمون

ناشر: موسسه فرهنگی، نشر انتشارات بین المللی الهدی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶ ه. ش.

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۷۳۳-۷۳۳-۴۳۹-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، مقابل مصلی،

مجتمع امام خمینی (ع)، ساختمان ۱۴

صندوق پستی: ۲۵۱۶ - ۱۵۸۱۵

تلفن: ۸۸۱۵۳۳۳۸ - ۸۸۱۵۳۳۹۵ - ۰۲۱

فکابر: ۸۸۸۴۹۲۷۹ - ۰۲۱

رایانامه: Cultural@icro.ir

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز مطالعات فرهنگی
بین المللی است.

مطالب این کتاب، نظرات پدیدآورنده اثر است و لزوماً نظر مرکز مطالعات



موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین المللی الهدی

Alhoda International, Cultural, Artistic &

Publishing Institution

دارالهدی الثقافية والفنية للنشر الدولي

Tehran - P.O.Box: 14155-4363

www.alhodagroup.ir

Tel: +98 21 88805003 88803607

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	مقدمه مؤلف
۱۵	پیشگفتار
۱۹	فصل اول
۴۳	فصل دوم
۷۷	فصل سوم
۱۵	فصل چهارم
۹۲	واژگان قرضی
۱۸۱	فصل پنجم

مقدمه

ارتباطات فرهنگی یکی از ماندگارترین و مؤثرترین مناسبات انسانی است که بر پایه گفت‌وگو و تبادل اطلاعات شکل می‌گیرد. این گونه ارتباطات پایه و مبنایی جهت تعامل انسان‌ها با یکدیگر بوده و بر سایر حوزه‌های روابط جوامع، همانند مناسبات اقتصادی، سیاسی نیز تأثیرگذار است. امروزه به‌رغم رشد و توسعه دانش بشری به ویژه در حوزه ارتباطات و شکل‌گیری دهکده جهانی، بشر بیش از هر زمان دیگر، نسبت به هم نزاع‌ناپذیر و بیگانه است. در این میان ریشه بسیاری از منازعات و چالش‌ها، به نبود درک صحیح از یکدیگر و کاستی‌ها و نواقص موجود در فهم و درک مشترک فرهنگی بین جوامع باز می‌گردد. بدین جهت، مطالعات فرهنگی و آشنایی با فرهنگ ملل، یکی از اولویت‌های اصلی در حوزه ارتباطات و تعاملات فرهنگی به شمار آمده و کمبود ادبیات پژوهشی فارسی در حوزه مطالعات فرهنگی کشورها نیز بر این امر تأکید دارد.

نقش دو سویه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در میانجی‌گری و فرهنگی کشورمان با دیگر جوامع، بر ضرورت تولید منابعی برای مطالعات و ارتقای سطح دانش جامعه ایرانی به ویژه نخبگان و دانشگاهیان با فرهنگ سایر ملل تأکید دارد. برای تحقق این هدف، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در حوزه ارتباطات فرهنگی بین‌المللی، اقدام به چاپ و نشر مجموعه‌ای از کتاب‌ها با عنوان «مطالعات منطقه‌ای» نموده است. در این مجموعه، ضمن بهره‌گیری از پژوهش‌ها و گزارش‌های رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران در خارج از کشور، از کارشناسان و صاحب‌نظران درحوزه‌های مختلف مطالعات فرهنگی نیز استفاده شده است.

مجموعه حاضر، به معرفی ویژگی‌ها و مباحث فرهنگی کشورها می‌پردازد؛ ضمن آنکه تلاش دارد با معرفی فرهنگ کشورها یا موضوعات مرتبط به مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها اطلاعات جامع و ارزشمندی ارائه دهد.

امید است این مجموعه ضمن هموارتر کردن مسیر توسعه و گسترش مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، در مسیر آگاهی بخشی و شناخت درجه بیشتر خوانندگان به ویژه اهل تحقیق و پژوهش، مفید و مؤثر واقع گردد.

مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

شرق آفریقا منطقه‌ای با تنوع زبانی فراوان است که اکثریت قریب به اتفاق زبان‌های آن از خانواده بانتو^۱ هستند. بنتو زبانی است که از آن صد زبان با گونه‌های مختلف مشتق شده است. از آنجا که آفریقا سرزمینی هزار قبیله است، هر قبیله برحسب نیاز، زبان ویژه‌ی خود را انتخاب کرده و با افزودن واژگان خاص، بدان تکلم می‌کند (سفری^۲، ۱۳۸۵: ۸). گویا سواحیلی واژگان خارجی زیادی دارد، ولی اساساً یک زبان آفریقایی است. در قرن نهم میلادی اسقف استیر^۳ از زنگبار، زبان سواحیلی را کلید درک فرهنگ آفریقای شرقی نامید، و این اظهارنظر دور از واقعیت نیست (سفری، ۱۳۸۵: ۱۱).

زبان سواحیلی^۴ به دو گونه‌ی شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که گونه‌ی جنوبی این زبان، پیش از اینکه از زبان عربی متأثر باشد، تحت تأثیر زبان پارسی قرار دارد و آن به سبب روابط محکمی بوده که دولت زنگبار را به ایران پیوند می‌دهد. تلفظ آوای پایانی و ماقبل پایانی واژگان سواحیلی، این زبان را شبیه زبان استیلی^۵ کرده است (فهمی، ۱۳۵۷: ۱۰۲-۱۰۳).

نام این زبان برگرفته از واژه‌ی عربی ساحل یا سواحل است و دانشمندان، از جمله ترمنگهام^۶، معتقدند این زبان در نتیجه ارتباط اعراب و ایرانیان مهاجر با

1- Bantu

2- Safari, J, f

3- Steere

۴- Kiswahili (در این زبان، برای نامیدن زبان‌ها از پیشوند «کی» استفاده می‌شود)

5- S,Trimingham

شرق آفریقا و بومیان این منطقه، که بیشتر در راستای فعالیت‌های تجاری بوده، به وجود آمده است (۱۹۶۴: ۱۲).

برخی زبان‌شناسان پیدایش این زبان را مربوط به قرون اولیه میلادی می‌دانند و براین باورند که زبان سواحیلی، در نتیجه ارتباطات دیرینه تجار و بازرگان عرب با مردمان سواحل شرق آفریقا پدید آمده و ورود شیرازی‌ها و استقرار آنها در سواحل و جزایر شرق آفریقا، ساختار این زبان را هرچه استوارتر ساخته است. نام این زبان، که برگرفته از ساحل است، خود تأییدی بر این نظریات به‌شمار می‌رود.

زبان سواحیلی بیشتر در مناطق آفریقای شرقی و مرکزی آفریقا شامل کشورهای تانزانیا، کنیا، اوگاندا، بروندي، رواندا، مالاوی، موزامبیک، زامبیا، سومالی، سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو^۱، و مجمع‌الجزایر کومور^۲ تکلم می‌شود. این زبان در ۱۰۰ کیلومتر^۳ در ساحل جنوبی تانزانیا، و لامو^۴ واقع در ساحل شمالی کنیا سرچشمه گرفته، و در اوایل قرن نوزدهم به تدریج به سوی غرب به عنوان یک زبان تجاری گسترش یافته است (سفری، ۱۳۸۵: ۹).

در این میان، زبان ارسبی تأثیرات عمیقی بر زبان سواحیلی داشته است. یکی از این تأثیرات ورود واژه‌های «زنگاری» در معنای «ساحل سیاهان»^۵ است که کاملاً فارسی محسوب می‌شود. نکته‌ی مهم در این میان، پایداری واژه‌های فارسی موجود در زبان سواحیلی است؛ زیرا با وجود آنکه سواحل و جزایر شرق آفریقا در فاصله قرن‌های شانزدهم تا اواسط قرن بیستم تحت تسلط کشورهای همچون پرتغال، آلمان و انگلستان قرار داشتند، ولی تأثیر این زبان‌ها بر زبان سواحیلی

- 1- Tanzania
- 2- Kenya
- 3- Uganda
- 4- Brundi
- 5- Rwanda
- 6- Malawi
- 7- Mozambique
- 8- Zambia
- 9- Somalia
- 10- Sudan
- 11- Congo
- 12- Kumor
- 13- Kilwa
- 14- Lamu

بسیار کم‌رنگ بوده است؛ به گونه‌ای که امروزه واژه‌های لاتین بسیار کمی در زبان سواحیلی شناسایی شده‌اند. این در حالی است که با توجه به متأخر بودن این زبان‌ها، قاعدتاً تأثیر آنها می‌بایست بیشتر از زبان‌های عربی و فارسی بوده باشد. این امر نمایانگر آن است که بومیان شرق آفریقا، علاوه بر زبان عربی، واژه‌های فارسی را با علاقه به زبان خود راه داده و در صدد حفظ این واژگان برآمده‌اند (عرب احمدی^۱: ۱۳۸۶: ۸۹).

مهم‌ترین گواه تأثیرپذیری عمیق زبان سواحیلی از فارسی، شمار چشم‌گیری از واژه‌های فارسی در این زبان است که با وجود گذشت صدها سال، نه تنها از این زبان خارج نشده‌اند؛ بلکه در ردیف واژه‌های اصلی زبان سواحیلی جای گرفته‌اند. این واژگان که در زمان حاکمیت شیرازی‌ها بر جزایر و سواحل شرق آفریقا وارد زبان سواحیلی شده‌اند، مدتها در ارتباط با اموری همچون قانون‌گذاری و حکومت، تجارت، دریانوردی، کشاورزی، بافندگی، تزئین و تهیه لباس، معماری و ساخت ابزار و ظروف می‌باشند. اگر این واژه‌ها به سبب آنکه مشابه و معادلی برای آنها در زبان سواحیلی وجود نداشته‌اند، ایداری خود را در این زبان حفظ کرده‌اند، البته برخی از واژه‌هایی که از طریق زبان فارسی به سواحیلی وارد شده‌اند، دارای اصل و ریشه عربی می‌باشند؛ ولی برخی از زبان‌شناسان معتقدند با توجه به گستردگی حضور واژه‌های زبان عربی در زبان فارسی و تکلم این واژه‌ها توسط شیرازیان آن عهد، این واژه‌های عربی نیز توسط شیرازیان به زبان سواحیلی راه یافته‌اند (کروم^۲: ۱۹۴۰: ۲۷). برخی از محققان نیز معتقدند که زبان فارسی، به عنوان منشاء ورود واژه‌های راه یافته به زبان سواحیلی، پس از زبان عربی، دومین زبان خارجی محسوب می‌شود (ماتوکو^۳: ۲۰۰۱: ۱۳۸). مزروری، اظهار می‌دارد بخش مهمی از اشعار بسیار قدیمی زبان سواحیلی نیز متأثر از زبان‌های عربی و فارسی است (۱۹۹۳: ۶۵۵). برخی از واژه‌های هندی موجود در زبان سواحیلی را، که بیشتر در مورد غذاهاست، برگرفته از زبان‌های عربی و فارسی می‌داند (ماتوکو، ۲۰۰۱: ۱۳۸).

۱- استفاده از آثار دکتر عرب احمدی در تدوین این اثر بسیار موثر بوده و قدردانی می‌نمایم.

2- Krumm, B

3- Mathoko, Mbatha

به‌رغم آنکه تاکنون میزان نفوذ ادبیات فارسی بر زبان و ادبیات سواحیلی به طور جدی مورد مطالعه قرار نگرفته است، ولی شواهد مسلمی از تأثیرپذیری ادبیات سواحیلی از ادبیات فارسی وجود دارد. از مهم‌ترین شاخصه‌های این تأثیرپذیری، اشعار سبک اوتندی^۱ یا اوتنزی^۲ می‌باشد، که شیوه نگارش نثر و سرایش این اشعار به ادبیات ایران شباهت دارد (پرینس، ۱۹۶۵: ۱۱۰).

برخی از محققان معتقدند سنت شکار که در برخی از داستان‌های حماسی سواحیلی به شکلی پررنگ وجود دارد، نیز، از فرهنگ ایرانیان نشأت گرفته، و امروزه رواج دادن شیوه‌های مختلف شکار در بین بومیان، به شکل‌گیری آثاری در ادبیات سواحیلی نیز انجامیده است (پرینس، ۱۹۶۵: ۴۹).

بزرگ‌ترین مجموعه‌ی اشعار نوشته شده به زبان سواحیلی به نام انکشافی^۳، که شاعر بزرگ سواحیلی سید عبدالله بن علی بن ناصر^۴ در پاته^۵ بین سال‌های ۱۸۱۰ تا ۱۸۲۰ سروده، نیز متأثر از ادبیات و شعرای ایران است. برخی از شعرا معتقدند، دیوان انکشافی انعکاسی از دیوان حافظ است و سراینده این اشعار عمیقاً متأثر از این شاعر بزرگ ایرانی بوده، و سبک سرایش حافظ را الگوی خود قرار داده است. دیوان انکشافی به نوبه‌ی خود بر سایر شاعران سواحیلی زبان، که امروزه در زمره‌ی بزرگ‌ترین شعرای زبان سواحیلی به شمار می‌روند، تأثیر گذاشته است؛ افرادی همچون شعبان رابرت^۶، عمری عبدی^۷ و تناسر مینامپالا^۸ حکیم عمرخیام نیز تأثیر به‌سزایی بر ادبیات سواحیلی داشته و ترجمه‌ی دیوان وی به زبان سواحیلی، موجب معرفی هر چه بیشتر و بهتر این ادیب و ادبیات فارسی در بین بومیان شرق آفریقا شده است (گیبه^۹، ۲۰۰۱: ۶۸). علاوه بر آن، بسیاری از شعری قدیم سواحیلی زبان با سعدی و سبک شعری وی نیز آشنایی داشته‌اند. سبک چهارپاره که امروزه در شعر سواحیلی رایج است، نیز برگرفته از سبک شعر رباعی فارسی است. زبان

1- Utendi

2- Utenzi

3- Inkishafi

4- Sayyid Abdallah bin Ali bin Nasir

5- Pate

6- Shaaban Robert

7- Amri Abedi

8- Mathias Minapalla

9- Gibbe, A.G

و ادبیات سواحیلی در دوره‌ی معاصر نیز همچنان به تأثیرپذیری خود از فارسی ادامه داده و برخی از کتب متأخر فارسی همچون «ماهی سیاه کوچولو» اثر صمد بهرنگی، توسط رابرت حسین نویسنده مشهور سواحیلی در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، از انگلیسی به سواحیلی ترجمه شده است (عرب‌احمدی، ۱۳۸۶: ۸۷).

در خصوص جایگاه و رسمیت زبان سواحیلی به طور کلی می‌توان گفت در تانزانیا، این زبان هم‌پای زبان انگلیسی، زبان رسمی کشور محسوب می‌شود. در کنیا زبان رسمی انگلیسی، و زبان سواحیلی زبان ملی است. در اوگاندا و کنیا، انگلیسی زبان رسمی، و سواحیلی زبان ملی و محلی است. در کومور زبان رسمی سواحیلی است و کلیه تعلیمات اسلامی در این کشور به زبان سواحیلی می‌باشد. بنابراین با توجه به مطالب ذکرشده امتداد جغرافیایی این زبان با توجه به ترکیب آن از شاخ آف‌با (خارج عدن)^۱ تا بندر ماپوتو^۲ در موزامبیک تعیین می‌گردد و کلاً حاشیه آفریقایی ساحل اقیانوس هند میدان تکلم این زبان است. سواحیلی یکی از سلیس‌ترین زبان‌ها در آفریقا است و از زمان خروج آفریقا از تحت سلطه استعمار در اواسط قرن بیستم تاکنون در جهت اعتلای این زبان و تبدیل آن به یک زبان قومی و ملی تلاش شده است. با کوشش‌هایی که جهت غنی‌سازی این زبان و واژه‌سازی برای رفع نیازهای علمی و فرهنگی عصر حاضر در حال انجامند، تدریجاً، انگلیسی به حاشیه رانده می‌شود و سواحیلی جای خود را در مراکز علمی و آموزشی تثبیت می‌کند. وضعیت زبان انگلیسی در این حوزه، به ویژه در سال‌های اخیر، تغییر کرده است. به این ترتیب که، به تانزانیا این زبان از یک زبان اصلی و کاربردی به یک زبان خارجی تبدیل شده است. و این بدان معنا است که زبان انگلیسی دیگر زبان محاورات روزمره نیست، بلکه تنها برای مکاتبات سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی به کار می‌رود (سفری، ۱۳۸۵: ۹).

از طرف دیگر موقعیت زبان سواحیلی از زمان استقلال تاکنون به طور مداوم ترقی کرده است، به طوری که این زبان از یک زبان بومی به یک زبان ملی، و در حال حاضر، به یک زبان بین‌المللی تبدیل شده است. با تلاش‌هایی که برای استاندارد کردن آن صورت می‌پذیرد، بر قابلیت آن روزبه‌روز افزوده می‌شود؛ و

1- Aden Gulf

2- Maputo

انتظار می‌رود با ادامه این روند در چند دهه‌ی آینده زبان انگلیسی کاربرد خود را از دست داده و سواحیلی زبان رسمی، آموزشی و ملی شرق آفریقا شود (همان).

پیشگفتار

در سالیان اخیر توجه پژوهشگران، هم از سوی دارندگان فرهنگ سواحیلی (کشورهای شرق آفریقا مثل تانزانیا، کنیا، اوگاندا و غیره) و هم از سوی کشور جمهوری اسلامی ایران، بر واکاوی وابطل فی مابین در گستره تاریخ صورت گرفته است، و این بحث کماکان مورد تأکید قرار دارد. از سویی، مجامع فرهنگی ایرانی و آفریقایی چندی است به موضوع شکل گیری فرهنگ سواحیلی و نقش فرهنگ ایرانی و زبان فارسی علاقه نشان می دهند و این موضوع نیز پی گیری می شود. یکی از مواردی که مدنظر است نقش زبان فارسی و تأثیر آن بر زبان سواحیلی بوده است. این کتاب ضمن کمک به تحکیم رباط ایران و آفریقا، به تأثیرات زبان فارسی بر زبان سواحیلی، و به تبع آن، تأثیر فرهنگ ایرانی بر فرهنگ آن بخش از جهان که از علاقه مندی های این کشورهاست، اشاره می کند.

یکی از مهم ترین مهاجرت های ایرانیان بعد از اسلام، سفر شرازی ها از خطه ی فارس به شرق آفریقا بوده است. سفری که با گذشت زمان، شاخصه ی عمیق از فرهنگ و تمدن ایرانی نظیر رواج آداب و رسوم، باورهای سنتی و معماری ایرانی را به ودیعه گذاشته و همچنین در حوزه زبانی، به ویژه در قرض گیری واژگانی که مربوط به امور دریانوردی و تجارت می باشد، تأثیر فراوانی داشته است. نگارندگان اثر حاضر درصدد برآمده اند تا با مطالعه ی واژگان قرضی فارسی و عربی که به صورت مشترک وارد زبان سواحیلی شده است و همچنین واژگان قرضی فارسی اصل، در ارتباط با تأثیر فرهنگ ایرانی بر شکل گیری فرهنگ شرق آفریقا تحقیق بپردازند و در نهایت تلاش این است تا تعیین شود که سهم هریک از این زبان ها در

قرض دادن واژه به زبان سواحیلی به چه میزان بوده است. چرا که در معمول‌ترین حالتی که در برخورد دو زبان پیش می‌آید، قرض‌گیری زبانی روی می‌دهد. بررسی عناصر قرضی در زبان‌های در تماس، از دقیق‌ترین شیوه‌ها در تبیین مرادفات فرهنگی است.

از سوی دیگر در ارتباط با فرهنگ سواحیلی، مهاجرت اعراب به آفریقا و رواج زبان عربی را نیز نباید نادیده گرفت، مسلماً این مهاجران نیز تأثیر به‌سزایی در این ارتباط داشته‌اند.

یکی از جنبه‌های مهم و شایان ذکر در بررسی‌های واژگانی، اقامه‌ی استدلال در خصوص معانی واژگان قرضی است. به بیانی روشن‌تر، چنانچه معنای واژه‌های قرضی کسی از افزوده شدن پاره‌ای مفاهیم و شاخصه‌های فرهنگی مثبت و مورد نیاز باشد، این پذیرش نشان می‌دهد که نقش کشور قرض‌دهنده در واقع یک نقش سازنده بوده، و نه یک نقش تخریب‌گر و استعمارگر.

در ارتباط با فرهنگ سواحیلی، معمولاً گفته می‌شود حضور فرهنگ ایرانی در سواحل شرقی آفریقا از نوع کشاورزگشایی یا استعماری و استثماری نبوده است، بلکه ایرانی با حضور خود در این خطه، شاخصه‌های فرهنگی مثبتی همچون مدرسه، حمام، مسجد و آداب فرهنگی مرتبط با آنها را به اقوام آفریقایی معرفی کرده است. از سوی دیگر، ادعا می‌شود که ویرانه‌های برخی فرهنگ‌های دیگر به این منطقه از نوع متضاد، یعنی همان مقوله کشاورزگشایی و برده‌داری و امثال آنها بوده است. بررسی تطبیقی واژگان قرضی در سواحیلی می‌تواند ادعاهای فوق را به آزمون بکشد، یکی از اهداف نگارندگان در نگارش این کتاب همین بوده است. به واسطه‌ی این پژوهش می‌توان به کشف و توصیف و شناختی جدید که زبان فارسی در آن نقش به‌سزایی داشته است، پرداخت و با توجه به اینکه زبان سواحیلی زبانی است که در خانواده‌های زبانی بنتو قرار دارد، هدف دیگر این پژوهش این است که باب بررسی‌های مفصل در ارتباط با ظرفیت یکی از زبان‌های خانواده بنتو در پذیرش واژگان فارسی مطرح شود.

نکته حائز اهمیت آن است که این کتاب در بررسی عناصر قرضی فارسی در سواحیلی و همچنین عناصر مشترک فارسی - عربی در سواحیلی، سه زبان از سه خانواده‌ی زبانی متفاوت را بررسی می‌کند:

زبان فارسی، از خانواده زبان‌های هند و اروپایی (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۱۲۲)، زبان سواحیلی از خانواده زبان‌های بانتو (ص ۶۶) و زبان عربی از خانواده زبان‌های سامی (ص ۵۲) است و نگارندگان در صدد آن هستند که به اساسی‌ترین سوال که سهم زبان فارسی در ارائه واژگان قرضی به حوزه سواحیلی به چه صورت بوده است، جواب دهند.

پژوهش حاضر تحقیقی در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی است. یکی از حوزه‌های مورد بررسی در این چارچوب، حیطه‌ی واژگان قرضی است که این پژوهش، کلی، در حوزه‌ی آن قرار می‌گیرد.

بر این اساس، پژوهش حاضر را بایستی مبتنی بر آموزه‌ها و چارچوب نظری-روش‌شناختی حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی معرفی نماییم.

از سویی دیگر، نگارندگان تلاش کرده‌اند نظراتی را در ارتباط با هویت بخشی از واژگان قرضی سواحیلی مطرح نمایند. بر این اساس، ممکن است این ذهنیت ایجاد شود که این تحقق یک تمایز در حوزه‌ی زبان‌شناسی تاریخی است. در این خصوص، این نکته شایان ذکر است که محققان کار خود را، به هیچ وجه، تاریخی-تطبیقی نمی‌دانند، چرا که این حوزه روش‌شناسی و اصول فنی خاص خود را دارد، که در این کتاب به آنها توجه نشده است. اثر حاضر، صرفاً تلاش دارد در بخش تحلیل به ارائه‌ی برخی معیارها برای تبیین هویت بخشی از واژگان قرضی در زبان سواحیلی بپردازد.

شایان ذکر است تحقیق ارائه شده در این اثر، تحقیق پیکره‌بنیاد است. پیکره مورد اشاره، متشکل از هزار واژه است که از فرهنگ لغت سواحیلی همراه با معنی استخراج شده است. تمرکز اصلی به هنگام استخراج انتخاب واژگان، روی واژگانی بوده که یا اصالتاً فارسی‌اند، و یا بین فارسی و عربی مشترکند. تلفظ تمامی واژگان مورد اشاره، به وسیله نگارندگان از گفتار بومی‌زبانان تاریخی و عرب‌زبانان کشور عراق استخراج شد، و نگارندگان براساس آن، اقدام به آوانویسی پیکره نمودند.

از آن جایی که بحث درخصوص منشاء این واژگان مشترک و راه ورود آنها به سواحیلی، خود پژوهشی تمام عیار را با اهدافی کاملاً متفاوت می‌طلبد، نگارندگان، برآن شدند ضمن آنکه برخی اظهارنظرها در مورد مسیر ورود واژه‌های

قرضی به سواحیلی را ارائه می‌دهند، در عین حال مدعی قطعی بودن آرایشان نباشند. نگارندگان، استدلالات زبان‌شناختی (مثلاً درباره نحوه تلفظ)، را با ارائه مثال‌هایی کافی انجام داده‌اند و آن هنگام که لازم بوده اطلاعاتی رقمی داده شود، صرفاً بر برخی اطلاعات آماری اولیه (درحد درصدگیری و ارائه جداول) بسنده کرده‌اند. شایان ذکر است که در پیکره تحقیق، برخی واژگان با تاریخچه‌های خاص نیز تشخیص داده شدند. در این موارد نگارندگان به خاطر جلوگیری از پراکنده‌گویی و دورشدن از هدف، درخصوص منشاء دقیق این واژه‌ها و تعادل فارسی با زبان‌های دیگر اظهارنظری نکرده‌اند. بدیهی است پژوهش‌های بعدی می‌توانند در این خصوص نیز به کنکاش بپردازند.

نگارندگان این کتاب دارند که مطالب ارائه شده در این کتاب، گشاینده‌ی بابی باشند برای انجام تحقیقات گسترده و پر تعداد آینده در این باب.

الیناز فرمهینی فراهانی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی،

دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

یداله پرمون

عضویت علمی سازمان میراث فرهنگی،

گردشگری و صنایع دستی